

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



صورتجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد (M.A)

نام و نام خانوادگی دانشجو : **فائزه معصومی** در تاریخ : / / **۸۹** رشته : **روان شناسی عمومی**

از پایان نامه خود تحت عنوان : **رابطه بین سبکهای تفکر و خودکارآمدی دانش آموزان پیش دانشگاهی شیراز**

با درجه و نمره دفاع نموده است.

نام و نام خانوادگی اعضای هیات داوری سمت هیات اعضای داوری

۱. جناب دکتر سیروس سروقد استاد راهنما

۲. سرکار خانم دکتر آذرمیدخت رضایی استاد مشاور

۳. جناب دکتر مجید برزگر استاد داور

مراتب فوق مورد تایید است مدیر / معاونت پژوهش

مهر و امضا



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد مرودشت

دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی گروه روانشناسی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)

گرایش (روانشناسی عمومی)

عنوان

**رابطه بین سبکهای تفکر و خودکارآمدی دانش آموزان**

**پیش دانشگاهی شیراز**

استاد راهنما

دکتر سیروس سروقد

استاد مشاور

دکتر آذرمیدخت رضایی

نگارش

فائزه معصومی

تابستان ۱۳۸۹

تقدیم به :

همشهریان عزیز و شهره علم و فرهنگ و هنر (اوز) شهرم

تکیه گاه زندگی ام خانواده ام

اسطوره صبر و صداقت و صمیمیت همسرم

ستاره روشنگر زندگی ام کوثر دخترم

## تقدیر و سپاسگزاری :

سپاس وستایش ایزد منان که بندگان خویش را با نعمت علم و دانش آراسته نمود . اکنون که به لطف و یاری پروردگار این پایان نامه به اتمام رسید ، وظیفه خود می دانم که از تمامی بزرگوارانی که خالصانه اندوخته هایشان را در اختیارم نهادند کمال تشکر را داشته باشم . ابتدا از جناب دکتر سیروس سروقد کمال تشکر و سپاسگزاری را دارم که افتخار شاگردی ایشان را داشتم و با صبر و حوصله راهنمایی این پژوهش را قبول زحمت فرمودند . همچنین با تشکر از سرکار خانم آذرمیدخت رضایی ، استاد مشاور گرامی، که از راهنمائیهای ایشان کمال بهره را بردم . و با کمال تشکر از جناب دکتر مجید برزگر که داوری این پژوهش را قبول زحمت فرمودند . همچنین با تشکر و قدردانی از زحمات مدیر گروه گرامی سرکار خانم دکتر حسینی که وظیفه نظارت بر جلسه دفاع را بر عهده داشتند. همچنین با سپاس و تقدیر از جناب مهندس ایوب سلامی که در تهیه و تدوین این پژوهش نهایت همکاری را داشتند. و با تقدیر از همسر و دختر عزیزم که صبورانه سختی راه تحصیل را با من طی کردند. و در نهایت از تمامی بزرگواران و اساتید گرامی که در طول دوران تحصیل خالصانه به من آموختند ، قدردان و سپاسگزارم .

## چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی رابطه بین سبکهای تفکر و خودکارآمدی دانش آموزان پیش دانشگاهی شیراز بود. شرکت کنندگان در این پژوهش ۳۳۳ نفر (۲۱۷ دختر و ۱۱۶ پسر) به روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند. داده های تحقیق از طریق پرسشنامه سبکهای تفکر استرنبرگ (۱۹۹۱) و خودکارآمدی نظامی - شوارتزر و جروسلم (۱۹۹۶) جمع آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در پژوهش حاضر برای محاسبه ضریب پایایی مقیاس سبک تفکر استرنبرگ ، از روش آلفای کرونباخ استفاده شد و ضریبی برابر با ۰/۸۸ بدست آمد. همچنین ضریب پایایی مقیاس خودکارآمدی در این پژوهش ۰/۷۴ بدست آمد. نتایج نشان داد که بین متغیر خودکارآمدی با همه سبکهای تفکر بجز تفکر درون گرا و کل نگر در سطح یک صدم در کل دانش آموزان رابطه مثبت معنی دار وجود دارد. همچنین بین سبکهای تفکر و خودکارآمدی دانش آموزان دختر نیز رابطه معنی داری وجود دارد. ولی بین هیچکدام از سبکهای تفکر با خودکارآمدی دانش آموزان پسر رابطه معنی داری مشاهده نشده است. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون حاکی از آن است که سبک تفکر آزاداندیش پیش بینی کننده قوی تری برای خودکارآمدی کل دانش آموزان می باشد. همچنین نتایج گویای این مطلب است که از بین سبک های تفکر قضاوت گر و آزاد اندیش، سبک تفکر آزاداندیش پیش بینی کننده قوی تری برای خودکارآمدی دانش آموزان دختر می باشد.

کلید واژه : سبکهای تفکر ، خودکارآمدی

فصل اول: کلیات تحقیق

۲	۱-۱ مقدمه
۵	۲-۱ بیان مساله
۸	۳-۱ اهمیت و ضرورت پژوهش
۱۱	۴-۱ اهداف پژوهش
۱۱	۱-۴-۱ هدف اصلی
۱۱	۲-۴-۱ اهداف فرعی
۱۱	۵-۱ فرضیه های پژوهش
۱۱	۶-۱ سوالات پژوهش
۱۲	۷-۱ تعاریف مفاهیم و واژه ها
۱۲	۱-۷-۱ تعاریف نظری
۱۴	۲-۷-۱ تعاریف عملیاتی

فصل دوم: ادبیات تحقیق

۱۶	۱-۲ مقدمه
۱۶	۲-۲ تعریف تفکر
۱۷	۳-۲ تفکر چیست؟
۱۸	۴-۲ عوامل بستر ساز تفکر
۱۹	۵-۲ ماهیت تفکر

- ۱۹-۲-۵-۱ تفکر از دیدگاه جان لاک.....
- ۲۱-۲-۵-۲ تفکر از دیدگاه فرانسیس بیکن.....
- ۲۲-۲-۵-۳ تفکر از دیدگاه ژان پیاژه.....
- ۲۳-۲-۵-۴ هوش و تفکر.....
- ۲۵-۲-۶ نظریه مرتبط با سبکهای تفکر.....
- ۲۵-۲-۶-۱ رهیافتهای روان شناختی.....
- ۲۶-۲-۶-۲ رهیافت روان شناسی اجتماعی.....
- ۲۷-۲-۷ الگوی سبکهای تفکر هریسون و برامسون.....
- ۲۹-۲-۸ سبکهای تفکر رابرت جی. استرنبرگ.....
- ۳۰-۲-۸-۱ سبک از دیدگاه استرنبرگ.....
- ۳۰-۲-۸-۲ نظریه ی خودگردانی ذهنی.....
- ۳۱-۲-۸-۳ کارکردهای سبکهای تفکر.....
- ۳۲-۲-۸-۴ شکلهای سبکهای تفکر.....
- ۳۳-۲-۸-۵ سطوح سبکهای تفکر.....
- ۳۴-۲-۸-۶ قلمروهای سبکهای تفکر.....
- ۳۴-۲-۸-۷ گرایشهای سبکهای تفکر.....
- ۳۵-۲-۸-۸ متغیرهای موثر در شکل گیری سبک های تفکر.....
- ۳۶-۲-۸-۹ اصول سبکهای تفکر.....
- ۳۷-۲-۹ مفهوم خودکارآمدی.....
- ۳۹-۲-۱۰ دیدگاه شناختی اجتماعی.....
- ۴۲-۲-۱۱ دیدگاه روان شناسی.....
- ۴۲-۲-۱۲ خودکارآمدی و عملکرد.....
- ۴۳-۲-۱۳ خودکارآمدی و انگیزش.....



۴۳	۱۴-۲ رابطه خود کارآمدی و انتظار
۴۴	۱۵-۲ ابعاد خود کارآمدی
۴۴	۱۶-۲ منابع خود کارآمدی
۴۵	۱-۱۶-۲ تجربیات موفق
۴۵	۲-۱۶-۲ مدل سازی اجتماعی
۴۵	۳-۱۶-۲ ترغیب اجتماعی
۴۵	۴-۱۶-۲ واکنش های روانی
۴۶	۱۷-۲ تحقیقات پیشین
۴۶	۱-۱۷-۲ تحقیقات خارجی درباره سبکهای تفکر
۵۰	۲-۱۷-۲ تحقیقات داخلی درباره سبکهای تفکر
۵۶	۳-۱۷-۲ تحقیقات خارجی درباره خود کارآمدی
۵۷	۴-۱۷-۲ تحقیقات داخلی درباره خود کارآمدی

### فصل سوم: روش اجرای تحقیق

۶۳	۱-۳ مقدمه
۶۳	۲-۳ روش تحقیق
۶۳	۳-۳ جامعه آماری
۶۴	۴-۳ نمونه و روش نمونه گیری
۶۴	۵-۳ ابزار پژوهش
۶۴	۱-۵-۳ پرسشنامه سبکهای تفکر
۶۶	۲-۵-۳ پرسشنامه خود کارآمدی
۶۷	۶-۳ متغیرهای پژوهش

۶۷	..... ۱-۶-۳ متغیر پیش بین
۶۷	..... ۲-۶-۳ متغیر ملاک
۶۸	..... ۷-۳ طرح اجرای پژوهش
۶۸	..... ۸-۳ روش تحلیل داده ها

#### فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده ها

۷۰	..... ۱-۴ مقدمه
۷۰	..... ۲-۴ توصیف متغیرهای پژوهش
۷۵	..... ۳-۴ یافته های استنباطی

#### فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

۸۶	..... ۱-۵ مقدمه
۸۶	..... ۲-۵ خلاصه
۸۷	..... ۳-۵ بررسی فرضیه های پژوهش
۹۳	..... ۴-۵ بررسی سوالات پژوهش
۹۶	..... ۵-۵ محدودیت های پژوهش
۹۶	..... ۶-۵ پیشنهاد های پژوهشی
۹۷	..... ۷-۵ پیشنهاد های کاربردی
۹۸	..... پیوست ها
۱۰۳	..... منابع

## فهرست جداول

صفحه	عنوان
۶۵.....	جدول ۳-۱ تعداد عبارات اختصاص داده شده به مقیاس سبک تفکر
۷۰.....	جدول ۴-۱ توزیع دانش آموزان مورد مطالعه به تفکیک جنسیت
۷۱.....	جدول ۴-۲ آماره‌های توصیفی سبک‌های تفکر دانش‌آموزان
۷۲.....	جدول ۴-۳ آماره‌های توصیفی سبک‌های تفکر دانش‌آموزان پسر
۷۲.....	جدول ۴-۴ آماره‌های توصیفی سبک‌های تفکر دانش‌آموزان دختر
۷۴.....	جدول ۴-۵ آماره‌های توصیفی خودکارآمدی کل دانش‌آموزان
۷۴.....	جدول ۴-۶ آماره‌های توصیفی خودکارآمدی دانش‌آموزان به تفکیک جنسیت
۷۵.....	جدول ۴-۷ نتایج آزمون معنی‌داری رابطه بین سبک‌های تفکر و ابعاد آن با خودکارآمدی کل دانش‌آموزان
۷۶.....	جدول ۴-۸ نتایج آزمون معنی‌داری رابطه بین سبک‌های تفکر و ابعاد آن با خودکارآمدی دانش‌آموزان پسر
۷۷.....	جدول ۴-۹ نتایج آزمون معنی‌داری رابطه بین خودکارآمدی و سبک‌های تفکر دانش‌آموزان دختر
۷۸.....	جدول ۴-۱۱ آزمون t گروه‌های مستقل برای بررسی تفاوت خودکارآمدی دانش‌آموزان دختر و پسر
۷۸.....	جدول ۴-۱۲ جدول تحلیل واریانس به منظور تعیین نقش متغیر پیش‌بین در تبیین واریانس متغیر ملاک خودکارآمدی کل دانش
۷۹.....	جدول ۴-۱۳ تحلیل رگرسیون نتایج بررسی ضرائب رگرسیون جهت تعیین نقش متغیرهای پیش‌بین در متغیر ملاک خودکارآمدی کل دانش‌آموزان
۸۰.....	جدول ۴-۱۴ جدول تحلیل واریانس به منظور تعیین نقش متغیر پیش‌بین در تبیین واریانس متغیر ملاک خودکارآمدی دانش‌آموزان پسر
۸۱.....	جدول ۴-۱۵ جدول تحلیل واریانس به منظور تعیین نقش متغیر پیش‌بین در تبیین واریانس متغیر ملاک خودکارآمدی دانش‌آموزان دختر
۸۲.....	جدول ۴-۱۶ جدول تحلیل رگرسیون نتایج بررسی ضرائب رگرسیون جهت تعیین نقش متغیرهای پیش‌بین در متغیر ملاک

# فصل اول

## کلیات تحقیق

## ۱-۱ مقدمه

پژوهش در مورد سبکهای یادگیری، سبکهای شناختی و سبکهای تفکر<sup>۱</sup> از مطالعات مربوط به ابعاد روان شناختی، اجتماعی و فیزیولوژیک فرایند آموزش سرچشمه گرفته است. شناخت و درک مدل‌های مرتبط با سبکهای تفکر و یادگیری در واقع یکی از پیشرفتهای اساسی روان شناسی در قرن بیستم است. شناخت سبکهای تفکر و متغیرهای مرتبط با آن در آموزش و پرورش امری لازم و ضروری است. زیرا بسیاری از تفاوتها در عملکرد افراد به جای نسبت دادن به توانایی، می‌توان به سبکهای تفکر نسبت داد. بطوری که اگر معلمان از سبکهای تفکر دانش آموزان خود آگاهی داشته باشند، با طراحی و جهت دهی مناسب فعالیتهای آموزشی می‌توانند به نتایج مثبت و موثری برسند(زانک،<sup>۲</sup> ۲۰۰۲، به نقل از جهانشاهی ۱۳۸۶).

اما سبک تفکر چیست؟ آیا سبک مترادف با توانایی است؟ استرنبرگ<sup>۳</sup> (۱۹۹۷) در پاسخ به این سوال می‌گوید: سبک مترادف با توانایی نیست بلکه شیوه ترجیحی تفکر یا به عبارت دیگر نحوه استفاده از توانائی‌های بالقوه است. استرنبرگ معتقد است ما یک سبک خاص نداریم بلکه دارای نیمرخی از سبکها هستیم. افراد ممکن است از توانائی‌های مشابه، اما سبکهای تفکر متفاوتی برخوردار باشند (استرنبرگ، ۱۹۹۷).

سبکهای تفکر بر نظریه خود مدیریت ذهنی استرنبرگ استوار است و مطرح می‌کند همان گونه که برای مدیریت یک جامعه راههای متفاوتی وجود دارد، افراد نیز برای بهره گرفتن از توانائیهای خود از

---

<sup>۱</sup> -Thinking styles

<sup>۲</sup> -zhang

<sup>۳</sup> Sternberg

شیوه های متفاوتی استفاده می کنند. این نظریه ۱۳ سبک تفکر را توصیف می کند که در پنج بعد از یکدیگر متمایز می شوند: **کارکردها، شکل ها، سطوح، حوزه ها و گرایش ها** (استرنبرگ، ۱۹۹۷).

به طور مختصر در **بعد کارکرد**، فرد دارای سبک تفکر قانون<sup>۱</sup> گذار تمایل به ایجاد، اختراع و طراحی دارد و کارها را به روش خود انجام می دهد. فرد دارای سبک تفکر اجرایی<sup>۲</sup>، تمایل به پیروی از دستورات دارد و آنچه را که به او گفته می شود انجام می دهد و فرد دارای سبک تفکر قضاوتگر تمایل به قضاوت و ارزیابی افراد و کارها دارد. در **بعد اشکال** خود مدیریتی ذهنی فرد چهار شکل به خود می گیرد: تک قطبی<sup>۳</sup>، سلسله مراتبی<sup>۴</sup>، الیگارش<sup>۵</sup> و آنارش<sup>۶</sup>. یک فرد با سبک تک قطبی از انجام تکالیفی لذت می برد که به او اجازه می دهد در هر زمان صرفاً بر یک تکلیف به طور کامل متمرکز گردد، در حالی که فرد دارای سبک سلسله مراتبی ترجیح می دهد توجه خود را بین چند تکلیف اولویت بندی شده توزیع نماید و فرد با سبک الیگارش تمایل دارد در همان محدوده زمانی روی چند تکلیف کار کند، بدون اینکه هیچ اولیوی قائل شود. سرانجام افراد با سبک آنارش بیشتر از انجام تکالیفی لذت می برند که در خصوص چه، کجا، کی و چگونه انجام دادن یک تکلیف اختیار لازم داشته باشند. در **بعد سطوح** خود مدیریتی ذهنی فرد در دو سطح کلی<sup>۷</sup> و جزئی<sup>۸</sup> انجام می گیرد. افراد کلی نگر به تصویر کلی یک موضوع توجه می کنند و بر عقاید انتزاعی متمرکز می شوند. در مقابل افراد با سبک تفکر جزئی نگر از انجام تکالیفی لذت می برند که اجازه کار روی ابعاد ویژه و اصلی یک موضوع و جزئیات عینی آنها را بدهد. در **بعد حوزه ها** خود مدیریتی ذهنی شامل دو حوزه درونی<sup>۹</sup> و بیرونی<sup>۱۰</sup> است. افراد با سبک درونی از انجام تکالیفی لذت می برند که بتوانند آنها را به طور مستقل انجام دهند. در مقابل افراد با سبک بیرونی تکالیفی را ترجیح می دهند که فرصت لازم برای تعامل

---

<sup>1</sup> Legislative

<sup>2</sup> Judicial

<sup>3</sup> Monarchic

<sup>4</sup> Hierarchic

<sup>5</sup> Oligarchic

<sup>6</sup> Anarchic

<sup>7</sup> Global

<sup>8</sup> Local

<sup>9</sup> Internal

<sup>10</sup> External

با دیگران را به آنها بدهد. و در **بعد گرایشها** در خود مدیریتی ذهنی دو گرایش وجود دارد: آزاد اندیش<sup>۱</sup> و محافظه کار<sup>۲</sup>. افراد آزاد اندیش از انجام تکالیفی لذت می برند که تازگی و ابهام دارد. در حالی که افراد دارای سبک محافظه کار، متمایل به رعایت قوانین و روشهای موجود در انجام تکلیف می باشند (زانگ، ۲۰۰۱، به نقل از شکری وهمکاران، ۱۳۸۵).

با وجود تعاریف متعدد و مبسوط از توانایی، سبکهای تفکر هم به همان اندازه و شاید به دلایلی بیشتر از توانایی مهم و موثر است. بندورا خوداندیشی را توانایی منحصر به فرد انسان می پندارد. فرد از طریق تشکیل تفکر خود-ارجاعی می تواند تفکر و رفتار شخصی خود را ارزیابی کند و تغییر دهد. این خود-ارزیابی ها شامل خودکارآمدی ادراک شده است، یعنی اعتقاد به اینکه فرد دارای استعدادهایی در سازماندهی و اجرای رفتارهای خاص برای اداره کردن موقعیتهای آینده است. همچنین باورهای خودکارآمدی<sup>۳</sup> بر الگوهای تفکر و واکنش های هیجانی انسان اثر می گذارند. درحقیقت این باورها تعیین کننده ها و پیش بینی کننده های قوی میزان دستیابی به هدف نهایی هستند. سازه خودکارآمدی در حیطه های علمی و محیطهای مختلف آزمایش شده و مورد حمایت قرار گرفته است (بندورا<sup>۴</sup>، ۱۹۹۷، به نقل از رجبی، ۱۳۸۶).

در نظام بندورا، منظور از خودکارآمدی احساس شایستگی، کفایت و قابلیت در کنار آمدن با زندگی است. بر اساس نظریه و پژوهش (بندورا، ۱۹۹۵) خودکارآمدی منجر به ایجاد تفاوت در احساس، تفکر و رفتار انسانها می شود. برحسب احساس، مفهوم پایین خودکارآمدی با افسردگی، اضطراب و ناتوانی مرتبط است. همچنین این افراد عزت نفس پایین، تفکرات بدبینانه در مورد تواناییها و رشد شخصی دارند. وقتی تفکر به مرحله رفتار در می آید، شناخت مربوط به خود عنصر سازنده و عمده فرایند انگیزش هستند. سطوح خودکارآمدی می تواند انگیزش را افزایش دهد. انسان هایی با خودکارآمدی بالا بیشتر تکالیف چالش آمیز را انتخاب می کنند و هدفهای بالاتری را تنظیم می کنند. با این وجود خودکارآمدی به انسانها اجازه می دهد

---

<sup>1</sup> Liberal

<sup>2</sup> Conservative

<sup>3</sup> Self-efficacy

<sup>4</sup> Bandoora

که محیطهای چالش آمیز را انتخاب نمایند. محیطهایشان را مورد کاوش قرار دهند یا محیطهای جدید را ایجاد کنند ( بندورا، ۱۹۹۵).

## ۲-۱ بیان مساله

تفکر از جمله مباحثی است که همواره توجه بسیاری را به خود جلب کرده است. بررسی تاریخی این موضوع نشان می دهد که نظریات مطرح شده در این زمینه عمری بس طولانی دارد. با این حال در دیدگاههای جدید تعلیم و تربیت، تفکر مورد توجه ویژه ای قرار گرفته است. به نحوی که امروزه رشد، پرورش و ارزشیابی تفکر یکی از کارکردهای اساسی تعلیم و تربیت است. توانایی تفکر و فناوری در حل مسئله و تعقل به عنوان اهداف اساسی تعلیم و تربیت محسوب میشود (اتکینسون<sup>۱</sup>، ۱۹۹۵، به نقل از براهنی و همکاران ۱۳۸۳). مسائل گوناگونی که انسان در طول زندگی با آن روبرو می شود نیاز به حل مسئله دارد. لازمه حل مسئله نیز تفکر می باشد، بنابراین تفکر فعالیتی است که انسان از دوران کودکی دارا می باشد. به عبارتی دیگر تفکر عبارت است از توانایی عمومی بشر برای حل مسئله. شاید بتوان گفت اولین محققانی که به طور جدی زمینه مطالعه و تحقیق در مورد تفکر را شروع نمودند، روان شناسان شناخت گرا می باشند. آنها سعی در روشن کردن این مسئله داشتند که چه چیز توضیح دهنده تفاوت انسانها در یادگیری و یا رفتارهای گوناگون است. این تحقیقات منجر به شناخت سبکهای شناختی شده که براساس آن افراد در ادراک، پردازش و سازمان دهی اطلاعات دارای توجیهاات، نگرشها و روشهای شخصی گوناگون هستند. آنها در این زمینه چندین سبک شناختی را معرفی نمودند. استرنبرگ یکی از این محققان بود که بتدریج علاقمند به مطالعه سبکهای تفکر شد (ضرغام قلندری، ۱۳۸۷).

استرنبرگ (۱۹۹۷) می گوید: سبکهای تفکر بسیار کمتر از آنچه استحقاقش بوده مورد توجه قرار گرفته است و بیشتر به عملکرد افراد اهمیت داده شده است. شکست ها و موفقیت هایی که به توانائیها نسبت داده شده، اغلب ناشی از سبکهاست. یک معلم باید بداند عملکرد ضعیف دانش آموز همیشه به علت

---

<sup>1</sup> etkinson



عدم توانائی نیست بلکه به خاطر عدم تناسب بین سبکهای تفکر دانش آموز و انتظاراتی است که معلم از او دارد. یا به عبارت دیگر توانائی نمی تواند به تنهایی بیانگر عملکرد متفاوت افراد باشد (استرنبرگ، ۱۹۹۷، به نقل از زانک ۲۰۰۲).

یکی دیگر از اصول مهم نظریه استرنبرگ (۱۹۹۷) این است که سبکهای تفکر قابل آموزش هستند. بنابراین می توان سبکهایی که یادگیری فعال را در دانش آموزان ایجاد و امر یادگیری را در آنان تسهیل می کنند هم به معلمان و هم به دانش آموزان آموزش داد. سبکها به خودی خود بد نیستند ، بلکه افراد بایستی یاد بگیرند در موقعیت های مختلف سبکهای خود را تغییر و سبکهای فکری متناسب با آن موقعیت را در اولویت قرار دهند (زانک ، ۲۰۰۴) .

خودکارآمدی یکی از سازه هایی است که در سالهای گذشته تحقیقات زیادی را به خود اختصاص داده است. این تحقیقات بیانگر اهمیت این موضوع در بین جوامع دانش آموزی، دانشجویی ، ورزشی، شغلی و... است. در تمام این تحقیقات نشان داده شده است که عدم توانایی انسانها در انجام امور تحصیلی ، ورزشی، شغلی و غیره، حاصل باورهای منفی خود انسان هاست و نه رویدادها و تجارب ناخوشایند . این خودکارآمدی پایین و منفی به نوبه خود به موقعیتهای خاص تعمیم می یابد و این باور در فرد ایجاد می شود که هیچ کاری از او ساخته نیست. این سبک اسنادی منفی در محیطهای آموزشی چشمگیر است، نه به خاطر اینکه فرد از توانایی ذهنی خوبی برخوردار نیست. بلکه به لحاظ نظام اعتقادی و شناختی اوست که خودکارآمدی پایین می تواند عملکرد فرد را در زمینه های مختلف پایین آورد (بندورا، ۱۹۹۷ ، به نقل از رجبی، ۱۳۸۶).

بر اساس نظریه وپژوهش ( بندورا، ۱۹۹۵) خودکارآمدی منجر به ایجاد تفاوت در احساس ، تفکر و رفتار انسانها می شود. بندورا (۱۹۹۷) چهار منبع برای اطلاعات خودکارآمدی مطرح می کند : ۱ - عملکرد قبلی ۲- الگوسازی جانشینی ۳- متقاعدسازی کلامی ۴- برانگیختگی هیجانی - فیزیولوژیکی برای اینکه چهار منبع خودکارآمدی فرد بر رفتار وی اثر کنند باید این اطلاعات انتخاب ، تفسیر و سرانجام در باورهای خودکارآمدی ادغام شوند.

هرچه افراد احساس خودکارآمدی بیشتری داشته باشند ، درانجام تکالیف موفق ترند. لذا با شناخت دانش آموزان دارای خودکارآمدی پایین می توان با آموزش جبرانی به آنها کمک کرد تا احساس توانایی و کارآمدی بیشتری کسب کنند (بندورا، ۱۹۹۷ ، به نقل از یوسفی، ۱۳۸۷).

واقعیت این است که نظامهای فعلی آموزش و پرورش نتوانسته اند نیازهای آموزشی جوامع در حال رشد فزاینده را محقق سازند و برای همگام شدن با این پیشرفتهای ، نیاز مبرم به جرح و تعدیل دارند (جاکوبسون<sup>۱</sup> ۱۹۹۸).

همین طور به نظر می رسد که اگر یاد گیرندگان به عنوان عناصر اصلی در احیاء نظامهای آموزشی به حساب نیایند ، آموزش و پرورش نمی تواند با نیازهای آینده جوامع همگام شود. به بیان دیگر ، آموزش و پرورش باید در جهت تربیت یادگیرندگانی اقدام کند که مسئولیت یادگیری خود را می پذیرند و قادرند دست به انتخابهای هوشمندانه بزنند. یادگیرندگان خود گردانی که دارای مهارتهای طراحی ، سازماندهی ، نظارت کردن بر جریان یادگیری و تغییر و اصلاح فرایند یادگیری و اندیشه خود هستند. این مهارتها ، بعدها می توانند برای حل مسائل زندگی ، تصمیم گیریهای مناسب و یادگیری مادام العمر به کار آیند. در این صورت، معلم به جای انتقال اطلاعات به دانش آموزان ، آموزش مهارتهای فکری اثربخش به آنها و ایجاد علاقه به آنها را در اولویت قرار می دهد. یکی دیگر از ابعاد مساله این است که یادگیرندگان درجات مختلفی از کارآمدی را تجربه می کنند و اهداف مشخص و انتظارات خاص خود را از موفقیت و شکست دارند (کدیور<sup>۱</sup> ۱۳۸۲).

دانش آموزانی که دارای باورهای خودکارآمدی قوی هستند تکالیف را چالشهایی می بینند که باید بر آنها تسلط یابند نه به عنوان تهدیداتی که از آنها دوری نمایند. این افراد عمیقتر در فعالیتهای مشغول می شوند و تلاش بیشتری در موقع شکست به کار می برند. دانش آموزانی که دارای باورهای خودکارآمدی ضعیفی

---

<sup>۱</sup> Jackoobson

هستند تکالیف را دشوارتر از آنچه هستند می بینند که این امر باعث تنیدگی ، افسردگی و دید محدود نسبت به حل مساله می شود (پاجاریز<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲، به نقل از اعرابیان و همکاران، ۱۳۸۲).

به نظر می رسد بهترین و پیچیده ترین مهارتهایی که می بایست در هر نظام آموزشی به دانش آموزان آموخته شود مهارت اندیشیدن درباره مسائلی است که در زندگی با آن مواجه خواهند شد (مربی، ۱۳۸۷).

بررسی یافته ها نشان می دهد که تحقیق پیرامون سبک تفکر می تواند فهم و آگاهی را در بین جوانان و نوجوانان تسهیل کرده و به بهبود خودکارآمدی این قشر حساس کشور به عنوان آینده سازان مملکت کمک کند. بنابراین با توجه به اینکه آموزش مهارتهای تفکر در مدارس اندک و ناچیز است و پژوهش انجام شده در این زمینه بسیار ناچیز می باشد و همچنین تحقیقی در مورد سبکهای تفکر و خودکارآمدی دانش آموزان صورت نگرفته است ، در این پژوهش بر آن شدیم تا به مطالعه رابطه بین سبکهای تفکر و خودکارآمدی در میان نوجوانان پیش دانشگاهی بپردازیم .

### ۱-۳ اهمیت و ضرورت پژوهش

تربیت دانش آموزان خودگردان از این نظر با اهمیت است که این دانش آموزان از ابعاد فراشناختی ، و رفتاری در فرایند یادگیری خود شرکت فعال دارند. این دانش آموزان شخصا " یادگیری را آغاز و آن را اداره می کنند و در یادگیری به فعالیت و تلاش خود متکی هستند تا به معلمان، والدین و عوامل دیگر آموزشی . همچنین قضاوتهای مربوط به خودکارآمدی نیز به دلیل نقش مهمی که در رشد انگیزش درونی دارد از اهمیت خاصی برخوردار است انگیزش درونی وقتی رشد می کند که فرد برای دستیابی به معیارهای هیجان انگیز تلاش کند ، در این صورت هم یک خودکارآمدی بالقوه برای دستیابی به این معیارها در فرد ایجاد می شود و هم در صورت دستیابی به نتیجه ، فرد به خودسنجی مثبتی دست پیدا می کند. این علاقه درونی

---

<sup>۱</sup> Pajares

موجب تلاشهای فرد در طولانی مدت و بدون حضور پاداش های محیطی می شود. در صورتی که اگر فرد احساس کند که پاداش های بیرونی و پاداش های خود سنجی ناکافی است و یا هنگامی که خودکارآمدی ادراک شده فرد آنچنان پایین است که دستیابی به یک نتیجه مثبت نا ممکن می نماید ، حفظ و نگهداری انگیزش به مراتب دشوارتر می شود (پروین لارنس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱، ترجمه کدیور، ۱۳۸۲).

شناخت صحیح سبک تفکر خود و دیگران به افراد کمک می کند تا درک بهتری از خویشتن و انسانهای دیگر پیدا کنند. افراد ممکن است توانائیهای مشابهی داشته باشند اما سبکهای تفکرشان متفاوت باشد. اما جامعه همیشه با توجه به توانائیهای یکسان افراد، یک جور در مورد آنها قضاوت نمی کند، بلکه افرادی که سبک تفکرشان در موقعیت های خاص متناسب با انتظارات جامعه است بعنوان کسانی که دارای سطوح بالای توانایی هستند مورد قضاوت قرار می گیرند. در صورتی که این واقعیت ، توانایی نیست بلکه انطباق سبکهای تفکر آنها با وظایفی است که برعهده دارند (زانک ۲۰۰۲، نقل از مربی ۱۳۸۷).

در مدارس ما معمولاً تفاوتهای فردی ناشی از سبکهای تفکر اشتباهها به توانائی ها نسبت داده می شوند . دانش آموزانی که در مدرسه کند ذهن به نظر می رسند ، غالباً به این سبب است که از سبکی پیروی می کنند که با سبک تفکر معلمانشان هماهنگ نیست (استرنبرگ ، ۱۹۹۷ ، ترجمه خسروی و اهری ۱۳۸۲).

مطالعه و تحقیق در حیطه سبکهای تفکر برای مسئولین مدارس سودمند است . آنها با شناخت و آگاهی از سبکهای تفکر و تاثیر آن بر رفتار و فعالیت های تحصیلی به ضرورت اقدامات پشتیبانی کننده لازم در این زمینه واقف می شوند و با ایجاد امکانات مناسب با سبک تفکر هر شخصی زمینه را برای پیشرفت افراد مهیا می سازند (بهمنی ، ۱۳۸۵).

اگر تصور شود اکثریت نوجوانان و جوانان کشور بویژه دانش آموزان شرایط بهینه در زمینه پویایی و کسب مهارتهای زندگی اجتماعی و فردی در محیطهای آموزشی را نداشته باشند جامعه از داشتن انسانهای خلاق ، مبتکر و کارآمد در جامعه محروم و در عوض افرادی منفعل با داشتن سبکهای تفکر اجرایی که دارای

---

<sup>۱</sup> Pervin larens